

## ۱۶. پیش بینی پروردگار (بخش دوم)

### دوره دوم

در برنامه قبلی وضع روحانی کلیسای مسیح را در قرن اول میلادی نقل کردیم. امروز ارتدادی که در مدت پنج قرن قبل از اسلام به کلیسا رخنه کرد ملاحظه خواهیم نمود. دوره دوم از سال یکصد الی ۳۱۳ میلادی بود که با سمبل اسب سرخ رنگ نمودار شده و سوار آن شمشیر بزرگی دارد و باو گفته می شود که صلح و سلامتی را از جهان بردارد. با تحریک اهریمنی، بسیاری ترک دین نمودند. رنگ قرمز اسب که بمعنی گناه بود در مقابل دینداری کلیسای اول که برنگ سفید بود از پاکیزگی نخست منحرف شده بود. پیش گوئی شد که در دوران دوم بسیاری از اعضای کلیسا اسم خالق را کفر گفته در واقع در زمره پیروان شیطان در خواهند آمد. خادمین ابلیس در مقامهای مسئولیت کلیسای خدا پرستان در آمدند و حتی در هیکل خدا قرار گرفته ادعای خدائی کردند.

این پیروان شیطان که مقامات مهمی را در اواخر دوران دوم اشغال کرده بودند در نظر داشتند تعداد زیادی از مؤمنین را بزندان بیاورند. در این خصوص بایستی نگاهی بسطنت دیوکلیسین، امپراطور روم افکنیم که در سال ۳۰۳ میلادی زجر و شکنجه غیرقابل وصفی برای مدت ده سال بر مسیحیان آن دوره وارد ساخت.

### دوره سوم

این دوره معروفست به دوره پیرگامس. این کلمه بزبان یونانی معنی بلندی یا سرافرازی را دارد و اشاره میکند بزمان قسطنطین کبیر. او علناً مسیحیت را پذیرفت و آنرا

دین رسمی کشور روم تعیین کرد و کلیسا را باصطلاح ترفیع داد. سمبل کلیسای دوره سوم اسب سیاه‌رنگی است که سوار آن ترازوئی بدست دارد. اگر تفسیر نخست صحیح باشد و رنگ سفید نمودار پاکی دین باشد بنابراین رنگ سیاه نمونه و نشانه فساد و کذب روحانیت میباشد. ترفیع کلیسا بمقامات سیاسی و دارالسلطنه امپراطوری روم به همان اندازه که کلیسا را سربلند کرد، به همان میزان کفه ترازوی روحانیت را نزول و کاهش داد. و افراد کلیسا اهمیت مادیات و شوکت و جلال دنیوی را بر روحانیت ترجیح دادند.

در برنامه گذشته تبدیل ایسیس و هوریس را به مریم و عیسی را نقل کردم. بطور خلاصه برخی خرافات دیگری را که بت پرستان به کلیسا رخنه دادند ذکر میکنیم: سادگی مسیح به لباسهای سلطنتی ملوکانه قسطنتین تبدیل شد، خداهای سه گانه که در برنامه گذشته بیان کردیم و روز پرستش از سبت یهوه یعنی روز شنبه به روز خورشید که یکشنبه است تغییر کرده تعیین روز بیست و پنجم دسامبر که بعنوان روز تولد عیسی بود نمونه دیگریست. این روز یادبودی از بت پرستهای آن زمان بود که روز تولد خورشید را جشن میگرفتند، تعمید اطفال، دعا برای مردگان، شفاعت حضرتها و مقدسین، تمجید بقایای مقدسین و زیارت اماکن و مقبره های روحانیون در گذشته، همه منابع بت پرستی داشتند. این خرافات به اصول و رسوم و تعالیم پاک و منزه کلسیای اول تحمیل شد.

### **دوره چهارم**

دوره آخر، یعنی چهارم که در سال ۵۳۸ میلادی شروع می شود و بیش از هزار سال آن دوره با عصر اسلام معاصر می باشد. سمبل این دوره اسب زردرنگ و پژمرده میباشد که اسم سوارش «موت» و «عالم اموات از عقب او می آید.» هنگامی که آجری یا نخته ای روی چمن گذاشته میشود در عرض دو سه روز بعلت کمبود آفتاب چمنهای زیر آن

به زردی تبدیل می شوند که نشانه مرگ و نابودی می باشد. مؤمنین واقعی در دوره چهارم چون از نور آسمان و تابش روح القدس محروم مانده بودند سمبل اسب زرد رنگ وضع روحانی ایشان را بخوبی منعکس می کند. مورخین محققاً قرون وسطی را دوران تاریکی نامیده اند. الهام خداوند بر علیه کلیسای «مرتد» با رسوم نادرست آن زمان واضحاً بدین قرار است: «و اما از تو شکایتی دارم. تو ایزابل را آزاد گذاشته ای، ایزابل، زنی که ادعا میکند نبیه است و با تعلیم خود بندگان را گمراه میکند تا آنها مرتکب زنا و خوردن خوراکی‌هایی شوند که به بتها تقدیم شده است. به او مهلت داده ام که توبه کند ولی او نمی خواهد دست از زناکاریهای خود بردارد.» (مکاشفه ۲:۲ و ۲۱).

ایزابل اسم زن بت پرست آخاب پادشاه شریب اسرائیل بود. او انبیأ خدا را بقتل رسانید و باتفاق و همکاری شوهرش بت پرستی را در مملکت خود برسمیت شناخت و انبیأ بعل را تقویت و پشتیبانی نمود.

بطور خلاصه این موضوع جلب نظر ما را می کند که خداوند نوع بشر را از ابتدا بتوبه و پاکیزگی روح و جسم دعوت کرده است. با این وجود مردم از وسوسه های گریزناپذیر شیطان فریب خورده و سرکش شده اند. آدم و نوح و ابراهیم و موسی همه در کار دعوت دادن بشر بخدا پرستی و معرفت پروردگار و اطاعت از فرامین و اوامر او کوشش مبذول داشتند. چون زمان بکمال رسید عیسی بن مریم با وجود مخالفت‌های شدید، کلیسای پاک و پیروز را از ایمانداران بخدای واحد - خدای خالق آسمان و زمین تأسیس کرد. متأسفانه در شش قرن بعد اکثریت این ایمانداران در زمره مرتدین در آمدند. اگر چه رومیان تحت تأثیر تعلیمات مبشرین مسیحی قرار گرفتند به مرور زمان رفتار اصلی مسیحیت که با سنت های بت پرستان آمیخته شده بود سراسر اروپا را فرا گرفت.

این وضع رقت آور و اسفناک مسیحیت مصادف با شب هجرت پیامبر اسلام بود. صحنه جهان آماده برای نهضت کلی بود. خداوند کلیسا را در هر دوران از مجازات غیر قابل تغییر و حتی آینده ای روشن هشدار داده بود. نابودی شهرهای سدوم و عموره آشکارا نتیجه تمرد خطاکاران زمان حضرت نوح و گردنگشان معاصر حضرت ابراهیم میباشند که مکرراً مورد غضب واقع شده بودند.

با این وجود آیه دیگری را برای افزونی و تقویت امید تکرار میکنیم. هنگامی که نیروهای اسلامی دنیا را فتح میکردند این دستور به ایشان داده شد: «همه اهل کتاب یکسان نیستند. برخی از ایشان گروهی اند که قیام کننده اند، در ساعات شب آیه های خدا را میخوانند در آنحال که ایشان بسجده پرداخته اند بخدا و روز واپسین میگردند و به نیکوئی فرمان میدهند و از کردار زشت باز میدارند و در نیکوکاری و اعمال خیر میشتابند. آنگروه از جمله شایستگانند.» (سوره آل عمران آیه ۱۱۳). خبر خوش این است که امروز نیز آن گروه وجود دارد که بعداً در باره آن گروه بحث خواهیم کرد. در برنامه آینده در باره آن نیروی مخفی که در مغز شما نهفته شده اشاره خواهیم کرد.